

Feasibility Analysis of Formation of Arabian military coalition in Persian Gulf; with Emphasis on Geopolitical Backgrounds

Reza Rahimi

Corresponding Author, PhD in political geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran, reza_rahimi68@ut.ac.ir

Kiumars Yazdanpanah

Associate Professor of Political Geography in University of Tehran, Tehran, Iran, kyazdanpanah@ut.ac.ir

Abstract

The geopolitical region of South East Asia has been influenced by some geopolitical factors including the efforts of Arabian states to form an Arabian military coalescence in the years ending to 2020. These agents have given rise to a plenty of changes increasing tensions and conflicts in the region. The military coalescence outlined under the influence of geopolitical backgrounds in Persian Gulf, posed the questions that how such a coalition can be realized in the near future. This present research, based on neu-realism approach, has addressed the geopolitical factors effective in shaping the coalescence. We have used cross effect analysis techniques and experts opinions to examine the feasibility of forming the military coalescence. The results of this study have indicated that some more powerful interrupting factors can weaken the possibility. To reduce tensions in the region, therefore, the neighboring states have to develop new military and security collaborations to eradicate the war in the region.

Keywords: *Arabian military coalescence, security, Iran, cross effect analysis, Southeast Asia, Geopolitics*

امکان سنجی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در منطقه‌ی خلیج فارس با تأکید بر زمینه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر^۱

رضا رحیمی

نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران
Reza_rahimi68@ut.ac.ir

کیومرث یزدان پناه

دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران kyazdanpanah@ut.ac.ir

چکیده

در سال‌های منتهی به سال ۲۰۲۰ میلادی، منطقه‌ی ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا، متأثر از برخی عوامل ژئوپلیتیکی مثل تلاش برخی کشورهای عربی برای شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی عربی، آبستن تحولات فراوانی شد، که زمینه‌های تنش و درگیری را در منطقه افزایش داد. ائتلاف نظامی عربی مورد اشاره که متأثر از زمینه‌های ژئوپلیتیکی در منطقه طرح‌ریزی و دنبال می‌شود، برای بسیاری این سؤال را به وجود آورده است که آیا می‌توان در آینده‌ی نزدیک انتظار تحقق چنین ائتلافی را داشت؟ پژوهش حاضر که بر مبنای نظریه‌ی نواوغ‌گرایی، به شناسایی و تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر این ائتلاف نظامی پرداخته، با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع و نظر کارشناسان در پی امکان‌سنجی شکل‌گیری این ائتلاف نظامی برآمده است. براساس نتایج مطالعه‌ی پیش‌رو و متأثر از برخی عوامل مختل‌کننده که قدرت اثرگذاری بیشتری دارند، احتمال شکل‌گیری این ائتلاف، ضعیف ارزیابی می‌شود. در این شرایط بایسته است کشورهای منطقه ضمن تلاش برای کاهش زمینه‌های تنش، فصل جدیدی از همکاری‌های نظامی و امنیتی را باهدف پایان دادن به دوران جنگ و ناامنی در پیش بگیرند.

واژه‌های کلیدی: ائتلاف نظامی عربی، امنیت، ایران، تکنیک اثرات متقاطع، جنوب غرب آسیا، ژئوپلیتیک

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۴ تاریخ بازبینی: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال ۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۶۱-۱۸۹

مقدمه

تشکیل ائتلاف‌های فراگیر و ایجاد زمینه همکاری و تعامل منطقه‌ای همواره مورد توجه و تأکید کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی غرب آسیا بوده است. به همین دلیل از دیرباز این منطقه شاهد تلاش‌هایی برای ائتلاف میان کشورها مثل ناتوی اسلامی که باهدف مقابله بانفوذ اندیشه‌های مارکسیسم طراحی شده بود، بوده است. شورای همکاری خلیج فارس نیز که به منظور تأمین دسته‌جمعی امنیت خلیج فارس شکل گرفت، در همین راستا قابل تفسیر است؛ تلاش‌هایی که البته هیچ‌یک نتوانستند به نتایج مؤثری دست یابند. افزایش تنش و درگیری منطقه جنوب غرب آسیا در سال‌های منتهی به ۲۰۲۰ میلادی و رخداد‌های ناامن کننده‌ای نظیر تشکیل گروه‌های تروریستی و نیز وقوع جنگ میان برخی کشورها از سوی و از سوی دیگر آشفتگی سیاسی پیش‌آمده در بسیاری از کشورهای منطقه مثل عراق، سوریه، بحرین، یمن و... برخی کشورها را بر آن داشت، تا این بار با حمایت قدرت‌های غربی، در پی شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی در منطقه باشند.

در این راستا به صورت مشخص کشورهای عربی منطقه به‌ویژه عربستان سعودی، در پی آن برآمدند تا با کمک آمریکا به تشکیل یک ائتلاف نظامی عربی در خلیج فارس اقدام کنند؛ و با این کار با افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران و افزایش قدرت نظامی و منطقه‌ای ایران، در منطقه مقابله کنند. نشانه‌های جدی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس، در سال ۲۰۱۷ میلادی و هم‌زمان با تشدید علاقه‌ی کشورهای عربی خلیج فارس، برای شکل‌دهی به این ائتلاف- که بسیاری از تحلیل‌گران بر روی آن «ناتوی عربی» نام گذاشتند- مشاهده شد. در همین سال

بود که «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان سعودی سفر کرد و با رهبران بیش از پانزده کشور عربی منطقه دیدار کرد. در همین دیدار بود که زمزمه‌های شکل‌گیری «ناتوی عربی» نیز جدی شد؛ و روزنامه‌ی آمریکایی «دهیل»^۱ در مطلبی با عنوان «ناتوی عربی با وجود اسرائیل می‌تواند وجود داشته باشد»^۲ بیان کرد که تشکیل ناتوی عربی تلاشی دوباره برای مقابله با ایران است؛ چیزی شبیه به اقدام نظامی رژیم صدام در زمان ریگان.

از جمله مسائلی که تاکنون سبب شده تا بستر ایجاد ائتلافی منسجم میان کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس فراهم نشود، می‌توان به پراکندگی جغرافیایی کشورهای اسلامی، تفاوت برداشت این کشورها از رویکردهای سیاسی و بین‌المللی ایران، ماهیت متفاوت حکومت‌های اسلامی، تعامل‌های فرهنگی و اقتصادی ریشه‌دار برخی از این کشورها با ایران، تمایل نداشتن برخی کشور برای پذیرش رهبری عربستان سعودی در جنوب غرب آسیا، همراهی ناقص کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا با طرح، تلاش‌های و... اشاره کرد. این بار اما کشورهای عربی منطقه، به‌ویژه عربستان سعودی با همراهی برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا تلاش می‌کنند در قالب طرحی جدید و کاملاً متفاوت، به مقابله با ایران و کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی آن بپردازند؛ امری که در قالب ایده‌ی جدید ناتوی عربی دنبال می‌شود؛ و بنابر دلایلی مانند افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان، افزایش رقابت‌های اقتصادی و نظامی ایران با کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، تشدید تنش‌های ایران و آمریکا و... احتمال شکل‌گیری آن افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی تضعیف محور مقاومت و به صورت مشخص جمهوری اسلامی ایران را باید کانون توجه چنین تلاش‌هایی دانست. تلاش‌هایی که متأثر از عواملی نظیر افزایش تنش‌ها میان ایران و عربستان، نقش‌آفرینی ضد ایرانی آمریکا در منطقه و نیز افزایش قدرت نظامی ایران در منطقه طرح‌ریزی و دنبال می‌شود؛ و برای بسیاری از کارشناسان این سؤال را به وجود آورده است که آیا می‌توان در آینده‌ی

^۱The hill

^۲An 'Arab NATO' Including Israel Can Exist if it Stays Quiet

نزدیک انتظار تحقق چنین ائتلافی را داشت؟ بر پایه‌ی همین سؤال و نگرانی‌های امنیتی، پژوهش حاضر بر مبنای نظریه‌ی نوواقع‌گرایی، به شناسایی و تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل‌گیری این ائتلاف نظامی و نیز عوامل ژئوپلیتیکی مانع پرداخته شده است. نتایج مطالعه‌ی پیش‌رو نشان داد، باین‌که روند شکل‌گیری تنش و تهدید در منطقه‌ی خلیج فارس و به‌ویژه میان ایران و عربستان افزایشی است، اما متأثر از برخی عوامل مختل‌کننده احتمال شکل‌گیری این ائتلاف پایین است.

۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی و تحلیلی - ترکیبی است و در آن برای رسیدن به نتایج مطلوب و ارزیابی صحیح فرضیه‌ها، علاوه بر مطالعه‌ی منابع کتاب‌خانه‌ای و اینترنتی، از مدل دلفی و نیز تکنیک تحلیل اثرات متقاطع استفاده شد. توضیح این‌که روش دلفی فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است، که از طریق توزیع پرسش‌نامه‌هایی در بین این افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد. (Adler & Ziglio, 1996, p. 252)

تکنیک تحلیل اثرات متقاطع نیز یکی از روش‌های مطالعاتی در حوزه‌ی آینده‌پژوهی است که با بررسی روابط علی و معلولی میان عوامل مؤثر بر یک موضوع به سناریوهای ممکن و محتمل آینده دست می‌یابد. روش مطالعاتی تکنیک تحلیل اثرات متقاطع در این پژوهش، بر این پرسش استوار است که کیفیت عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی در حاشیه‌ی خلیج فارس و نیز موانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی به چه صورت است و تحقق آن در فضای کنونی جنوب غرب آسیا تا چه میزان جدی است؟ در این پژوهش مفاهیم و شاخص‌های اصلی که تصور می‌شود در فرایند شکل‌گیری و وقوع یک پدیده مؤثر هستند، شناسایی شده و با کمک نظر کارشناسان به صورت دوجه‌دو با یکدیگر قیاس شده و میزان اثر هر کدام بر دیگری سنجیده می‌شود و این کار با کمک نرم‌افزار میک‌مک انجام می‌شود. در این نرم‌افزار رابطه‌ی میان مؤلفه‌ها از عدد صفر تا ۳ محاسبه

می‌شود. به این شکل که عدد صفر به منزله‌ی بدون تأثیر، عدد ۱ به منزله‌ی تأثیر ضعیف، عدد ۲ به منزله‌ی تأثیر متوسط و عدد ۳ به منزله‌ی تأثیر زیاد است. (بهشتی و زالی، ۱۳۸۹، ص. ۵۹)

۲. تعریف مفاهیم و نظریه‌ها

چارچوب نظری و مفاهیم مهم مقاله‌ی پیش‌رو از بحث نظری مرتبط با هژمونی که نوواقع‌گرایانه مطرح می‌کنند و نیز الگوهای رابطه‌ی ژئوپلیتیکی که متأثر از زمینه‌ها و دلایل مختلف ژئوپلیتیکی شکل می‌گیرند، حیات گرفته است. در ادامه به اهم مباحث مرتبط با این پژوهش اشاره می‌شود:

۲-۱. آینده‌پژوهی

به مجموعه تلاش‌هایی که با جست‌وجو در منابع، الگوها و عوامل متغیر یا ثابت باهدف تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی متناسب با آن‌ها صورت می‌گیرد، «آینده‌پژوهی»^۱ می‌گویند. در این پژوهش معادل امکان‌سنجی در نظر گرفته شده است. در این دانش تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روش‌های علمی، به‌جای تصور ساده‌ی آینده، به گمانه‌زنی‌های مبتنی بر دانش در مورد چندین آینده پرداخته شود. (Myer, 2000, p. 2) هرگاه در مورد آینده صحبت می‌شود، باید به این مهم توجه کرد که، ملاک شرایط مطلوب یک سیستم در آینده، پایداری آن در شرایط کنونی یا احتمال رسیدن به پایداری در آینده‌ی نزدیک است. در رویکرد سیستم‌های انطباق‌پذیر نبود پایداری و تغییرات مداوم یک سیستم، ثبات و پایداری آن را به چالش می‌کشد. (Dixon et al, 2014, p. 134) پژوهش‌گران آینده‌پژوهی عقیده دارند این دانش تلاشی نظام‌مند برای نگاه به آینده‌ی بلندمدت علم، فناوری، محیط‌زیست، سیاست، اقتصاد و اجتماع است؛ که می‌توان در چارچوب برخی مطالعات هدفمند به آن دست یافت. و با داشتن تصویری روشن از آینده به برنامه‌ریزی‌هایی برای جلوگیری از تهدیدها و افزایش فرصت‌ها پرداخت و به بهتر شدن آنچه در آینده رخ خواهد داد، کمک کرد. (Kameoka et al, 2004, p. 580)

۲-۲. ژئوپلیتیک

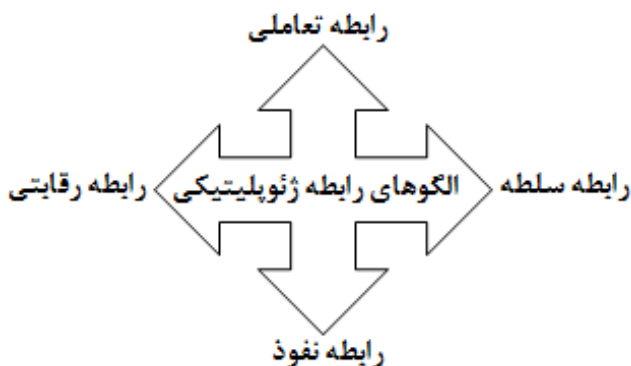
مفهوم ژئوپلیتیک مفهومی ترکیبی است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست خصلتی ذاتی دارند. در واقع مسائل موضوعات و پدیده‌های مورد توجه ژئوپلیتیک به گونه‌ای با این سه عنصر ارتباط پیدا می‌کنند. از این رو موضوع ژئوپلیتیک را روابط متقابل بین آن‌ها تشکیل می‌دهد. بنابراین تعریف ژئوپلیتیک عبارت است از: «مطالعه‌ی روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست». در این تعریف جغرافیا در سه حوزه‌ی فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. عنصر سیاست نیز در سه حوزه‌ی ایدئولوژی و اندیشه‌های سیاسی، ساختارها و سیستم‌های سیاسی نظیر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای اجتماعی و مدنی و نیز کنش و رفتار سیاسی که از سوی بازیگران در پیش گرفته می‌شود، مدنظر قرار می‌گیرد. هم‌چنین عنصر قدرت که از سوی بازیگران سیاسی اعم از دولت‌ها، سازمان‌ها، افراد و غیره بکار گرفته می‌شود، در مقیاس‌های مختلف محلی، ملی و بین‌المللی، شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، علمی، فناوریانه، ارتباطی-رسانه‌ای و غیره است. (حافظ نیا، ۱۳۷۹، ص. ۸۶-۸۵)

۲-۳. منطقه‌ی ژئوپلیتیک

منطقه ژئوپلیتیک بخشی از سطح زمین اعم از فضای خشکی یا آبی و یا تلفیقی از این دو است، که در آن عوامل سیاسی و جغرافیایی دارای تجانس و هویت مشخص با کارکردی مشترک باشند؛ و به همین دلیل از سایر نواحی قابل تفکیک‌اند. این مناطق را می‌توان بستری مناسب برای شکل‌گیری الگوهای فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای قلمداد کرد، که در صورت تکامل می‌توانند به سازه‌ی ژئوپلیتیک تبدیل شوند. در این شرایط می‌توان در این مناطق فرایندهای هم‌گرایی، واگرایی، ستیز و یا همکاری را مشاهده کرد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۲) در واقع مناطق ژئوپلیتیک شامل بخش‌های جغرافیایی کوچک در مناطق ژئواستراتژیک هستند که معمولاً از تجانس جغرافیایی و هماهنگی‌های محیط انسانی بیشتری در یک یا همه‌ی زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند. (مجته‌دزاده، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۶)

۴-۲. الگوهای رابطه‌ی ژئوپلیتیکی

منظور از روابط ژئوپلیتیکی روابطی است که براساس عناصر مؤثر در ساخت مفهوم ژئوپلیتیک یعنی سیاست، قدرت و جغرافیا میان برخی کشورها و بازیگران سیاسی شکل می‌گیرد؛ و در همین راستا منجر به کنش‌هایی متفاوت در بستر جغرافیا می‌شود. در شکل‌گیری این روابط عنصر جغرافیا در نقش بسترسازی، عنصر قدرت در نقش شکل‌دهی و ماهیت دادن به الگوها ایفای نقش می‌کنند. روابط ژئوپلیتیکی میان بازیگران از الگوهای گوناگونی شکل می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را تعاملی، رقابتی، نفوذ و سلطه نام‌گذاری کرد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ص. ۳۶۳)



شکل ۱. الگوهای رابطه‌ی ژئوپلیتیکی منبع: نگارندگان

۳. نظریه‌های نوواقع‌گرایی در مورد ائتلاف‌های نظامی

نظریه‌های نوواقع‌گرایی که افرادی مانند والتز و کیندرمان بازنگری و اصلاح کردند، براساس فرضیات مشخصی شکل گرفته که در آن هرج و مرج اساس نظام بین‌الملل معرفی شده است. کشورها نیز بیش از هر چیز بر منافع شخصی فکر می‌کنند، و تنها به دلیل مقابله با دشمن وارد اتحادیه می‌شوند. اتحادیه نیز بدون دشمن از بین می‌رود. نظریه‌هایی که نوواقع‌گرایانه در ادبیات علمی جهان طرح کردند، چرایی شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی را از ابعاد مختلف بررسی می‌کنند. (Waltz, 1979, p. 79) به بیان دیگر آن‌ها نظریه‌های مختلف شکل‌گیری ائتلاف‌های فراملی را در منطقه‌ای ژئوپلیتیکی مطرح می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به نظریه موازنه‌ی قوا،

موازنه‌ی تهدید، موازنه‌ی منافع و نظریه‌ی هژمونی اشاره کرد. موازنه‌ی قوا که توسط افرادی چون والتز مطرح شده است، ناظر بر این نکته‌ی مهم بیان می‌شود که کشورها باهدف ممانعت از شکل‌گیری جنگ و آسیب دیدن امنیت ملی به سمت شکل‌دهی به یک ائتلاف می‌روند تا در برابر کشوری که در منطقه موردنظر قدرتمند شده، و به‌احتمال سلطه‌ی آن می‌رود، بایستند و با آن مقابله کنند. (Ray, 1998, p. 353)

به دیگر سخن از نظر نواقح‌گرایانه، دولت‌ها زمانی دست به تشکیل ائتلاف می‌زنند که موازنه در مقابل تهدید را ضروری احساس کنند، اما ایجاد هر اتحاد یا هم‌گرایی به درجه‌ی انسجام و قدرت آن، از آزادی عمل کشورهای عضو ائتلاف می‌کاهد و هزینه‌هایی را بر آن‌ها تحمیل می‌کند. (Gelpi, 1999, p. 107) نظریه‌ی موازنه تهدید را افرادی چون، والت مطرح می‌کنند و به نظر آن‌ها کشورهای حاضر در یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی، باهدف ایجاد با موازنه بر ضد تهدیدهایی که نسبت به آن‌ها احساس خطر می‌کنند، دست به تشکیل ائتلاف می‌زنند. جدا از دو نظریه‌ی بالا یکی از اندیشمندان دانش روابط بین‌الملل یعنی «اشولر» با انتقاد از نظریه‌ی موازنه‌ی قوا و موازنه‌ی تهدید، نظریه‌ی دیگری با عنوان نظریه‌ی موازنه منافع را مطرح می‌کند. براساس این نظریه عامل مهم برای شکل‌دهی به یک ائتلاف، سازگاری اهداف سیاسی و منافع است؛ و این مسیر با بی‌توازی قدرت یا تهدید طی نمی‌شود. (Waltz, 1979, p. 91-97)

در کنار نظریه‌هایی که مورداشاره قرار گرفت، نظریه‌ی دیگری نیز وجود دارد که برای اولین بار «جوزف نای» به آن اشاره کرد. این نظریه‌ی که هژمونی نام دارد، ناظر بر این است که کشورهای یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی در صورت موفق به شکل‌دهی به یک ائتلاف می‌شوند، که یک کشور قدرتمند و مؤثر آن‌ها را به این سمت سوق دهد. (Brilmayer, 1994, p. 24) براساس این نظریه کشور قدرتمند در مسیر شکل‌دهی به ائتلاف نظامی، باید از قدرت اقتصادی مناسب و ابزار کافی در این زمینه مثل منابع عمده‌ی اقتصادی، مواد خام، منابع سرمایه، بازار و برتری بی‌رقیب در تولید کالاهایی که ارزش بسیار بالایی دارند، برخوردار باشد. هم‌چنین

این قدرت برتر باید از پشتوانه‌های دیگری مثل اراده‌ی ملی و پذیرش بین‌المللی نیز برخوردار باشد. (George, 1993, p. 198-202) براساس مطالب بالا در نظریه‌ی نوواقع‌گرایی و نظریه‌های زیرمجموعه، دلایل فراوانی برای افزایش تمایل کشورهای یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی برای ساخت ائتلاف‌های نظامی وجود دارد. براساس اندیشه‌ی نظریه‌پردازان این حوزه نه تنها قدرت هدف نهایی در کنش‌های بین‌المللی نیست، بلکه ابزاری دو سویه است که اگر در میزان و نوع بهره‌مندی از آن افراط و یا تفریط صورت بگیرد؛ ضمن برهم خوردن موازنه قدرت، احتمال افزایش مخاطره و آسیب دیدن امنیت نیز وجود دارد.

۴. عوامل موفقیت یا شکست ائتلاف‌های منطقه‌ای

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد برای انجام صحیح فرایند پژوهش حاضر نیاز است تا اقدام به شناسایی مؤلفه‌های مؤثر برساخت، و یا نابودی ائتلاف‌های منطقه‌ای به‌ویژه در حوزه‌ی نظامی شود تا وزن و میزان اثرگذاری این مؤلفه‌ها در قالب تکنیک تحلیل اثرات متقاطع شناسایی و ارزیابی شود. در رابطه با عوامل موفقیت ائتلاف‌های منطقه‌ای پژوهشگران به مواردی مثل همگونی کشورهای عضو، برخورداری از مشروعیت بومی، داشتن قدرت حل و فصل منازعات داخلی، اثرگذاری کم قدرت‌های ثالث در منازعات داخلی، ناتوانی سازمان‌های بین‌المللی در حل مشکلات منطقه‌ای، تأثیری پایین از قدرت‌های فرامنطقه‌ای و... اشاره می‌کنند. آن‌ها همچنین عواملی مثل مبهم بودن مفهوم منطقه، نقش اثرگذار و مخرب قدرت‌های جهانی و فرامنطقه‌ای، نبود استقلال نسبی در کشورها، تنوع و سیال بودن سازمان‌های منطقه‌ای، پایین بودن ضمانت اجرایی سازمان‌های منطقه‌ای، محدودیت‌های مالی، تجربیات شکست‌خورده‌ی پیشین، عدم فراگیری، مشکلات داخلی کشورها، نفوذ سیاسی و یا کاربرد وسایل قهرآمیز و... را در ناکامی و شکست ائتلاف‌ها مؤثر می‌دانند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۸-۱۶۶)

۵. قلمرو جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر را به‌صورت مشخص، منطقه‌ی ژئوپلیتیکی

جنوب غرب آسیا تشکیل می‌دهد، اما از آنجایی که ماجرای شکل‌گیری ائتلاف نظامی خلیج فارس بیشتر در میان کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس مطرح و پیگیری می‌شود، عمده مطالعات و بررسی‌ها در این پژوهش حول محور این منطقه و کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس است. با این حال به دلیل در میان بودن نام برخی کشورهای دیگر غرب آسیا و شمال آفریقا در این ائتلاف احتمالی، مثل یمن، اردن، مصر، لیبی و تونس این کشورها نیز به قلمرو پژوهش افزوده شدند؛ تا نوعی از پیوستگی (نقشه زیر نوعی از پیوستگی جغرافیایی است). شکل بگیرد و قلمرو مشخص پژوهش حاضر شود.



شکل ۱. منطقه‌ی جغرافیایی جنوب غرب آسیا و کشورهای حاضر در این منطقه (منبع: نگارندگان)

۶. یافته‌های پژوهش

مطالعات نشان داد در مسیر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس، تعداد زیادی از عوامل مؤثر شکل‌گیری و نیز موانع مؤثر وجود دارد که نادیده گرفتن آن‌ها هرگونه تحلیل، ارزیابی و نتیجه‌گیری را به‌اشتباه می‌کشاند. در پژوهش حاضر ضمن جمع‌آوری این شاخص‌ها تلاش شد، تا با روش تحقیق ترکیبی و با بهره‌گیری از تکنیک‌های آماری، به‌ارزیابی دقیق شاخص‌های مؤثر پرداخته و از

آن‌ها برای نتیجه‌گیری صحیح و مبتنی بر واقعیت استفاده شود. به نظر نگارندگان عواملی چون افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران، افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان، نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها، نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، حجم بالای نفت و گاز و انرژی در خلیج فارس و رقابت کشورهای عربی با ایران برای تصاحب بازار انرژی، مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس و نیز توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ بر فرایند شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس تأثیر مستقیم دارند. به این معنا که کشورهای عربی خلیج فارس نگران هستند، ایران بر پایه‌ی عواملی که ذکر شد در یک رقابت ژئوپلیتیکی تنگاتنگ با آن‌ها، به‌همراه دیگر متحدانش در محور مقاومت گوی سبقت را از آن‌ها ربوده و به یک قدرت برتر و غیرقابل‌مهار تبدیل شود؛ شرایطی که از قرار معلوم و براساس تحولات مشهود آن‌ها را بر آن داشته با کمک‌گیری از متحدان فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا در پی شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی عربی برآیند، تا در برابر ایران به قدرت بازدارندگی و چه‌بسا هجومی کافی دست یابند.

از سوی دیگر نگارندگان پژوهش حاضر، روابط حسنه‌ی ایران با عمان به‌عنوان یکی از کشورهای عربی مؤثر در خلیج فارس، بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری این ائتلاف و تسری پیامدهای آن به منافع این کشورها، عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف و درگیری آن‌ها با اعتراضات داخلی، افکار عمومی داخلی کشورهای عربی و شکاف دولت - ملت در این کشورها، تلاش‌های میانجی‌گرایانه پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان و نیز هزینه‌های سنگین ائتلاف و نگرانی از بروز جنگ تمام‌عیار را از جمله موانع شکل‌گیری این ائتلاف می‌دانند؛ که فرایند تحقق چنین ائتلافی را با مشکل روبه‌رو کرده است. حقیقتی که تاکنون نیز روند دست‌یابی کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس به یک ائتلاف نظام‌مند و سازمان‌یافته را ناقص باقی گذاشته است. بر همین اساس نیاز است برای رسیدن به یک تصویر واقعی از آینده این تحرکات

وزن آن‌ها را نسبت به وزن عوامل مؤثر موردسنجش قرار داد؛ موضوعی که در این پژوهش برای رسیدن به آن از تهیه پرسش‌نامه و کسب اطلاع از متخصصان و نیز تکنیک تحلیل اثرات متقاطع استفاده شد.

در پرسش‌نامه‌ای که پیش‌تر به آن اشاره شد، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی از سویی و از سوی دیگر موانع مؤثر در قالب طیف لیکرت مورد پرسش کارشناسان قرار گرفت تا پس از جمع‌آوری نظر آن‌ها و تبدیل این پاسخ‌های کیفی به کمی و نیز وارد کردن آن به نرم‌افزار میک‌مک خروجی‌های پژوهش استخراج شود.

در ادامه به این عوامل مؤثر و نیز موانع در قالب جدول اشاره می‌شود:

جدول ۱. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس (باتوی عربی)						
۱	افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران که در سال‌های اخیر مورد تأکید مقام‌های عالی‌رتبه ایران بوده است، تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۲	افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان که در سال‌های اخیر روند صعودی داشته است، تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۳	نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها که مصداق بارز آن را فعالیت‌های رئیس‌جمهور کنونی آمریکا و تأثیرپذیری عربستان سعودی از او می‌توان دانست، تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۴	نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۵	حجم بالای نفت و گاز و انرژی در خلیج فارس و رقابت با ایران، تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۶	مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس، تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف نظامی مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۷	توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ موسوم به برجام، تا چه میزان در ترغیب کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس برای شکل‌دهی به ائتلاف مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
موانع مؤثر بر فرایند شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس (باتوی عربی)						
۱	روابط حسنه‌ی ایران با عمان، تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم

۲	بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۳	نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف، تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۴	عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف، تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۵	فشار افکار عمومی داخلی کشورهای عربی، تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۶	میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان، تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم
۷	هزینه‌های سنگین ائتلاف و نگرانی از بروز جنگ تمام‌عیار، تا چه میزان به‌عنوان یک مانع بر سر راه شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس مؤثر بوده است؟	خیلی زیاد	زیاد	تأثیری ندارد	کم	خیلی کم

براساس پرسش‌نامه بالا که اساس تحقیق نیز بود و بر اساس خروجی‌های آن ماتریس موردنظر تهیه شد، به‌منظور کمی‌سازی داده‌ها برای هرکدام از گزینه‌های پاسخ‌نامه از خیلی کم به خیلی زیاد به ترتیب عدد ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد که نتایج آن در زیر می‌آید.

جدول ۲. ترکیب عوامل و موانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی

میانگین نمرات	ترکیب عوامل و موانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی		
4/06	بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی	1	مانع
4	عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف	2	مانع
3/93	افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان	3	عامل
3/53	نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس	4	عامل
3/46	افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران	5	عامل
3/26	نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها	6	عامل
3/13	توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ موسوم به برجام	7	عامل
3	روابط حسنه ایران با عمان	8	مانع
2/66	نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف	9	مانع
2/46	میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان	10	مانع
2/4	حجم بالای نفت و گاز و انرژی در خلیج فارس و رقابت با ایران	11	عامل
2/33	هزینه‌های سنگین ائتلاف و نگرانی از بروز جنگ تمام‌عیار	12	مانع
2/13	فشار افکار عمومی داخلی کشورهای عربی	13	مانع
2/06	مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس	14	عامل

با این توضیح که خانه‌های سفید جدول اشاره به مؤلفه‌های مانع و خانه‌های رنگی اشاره به عوامل مؤثر دارد، در جدول بالا می‌توان به ترتیب اهمیت و میزان اثرگذاری هرکدام از مؤلفه‌ها را ردیابی کرد. به این معنی که مؤلفه‌ی بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، به‌عنوان یک مانع شکل‌گیری از نظر متخصصان بالاترین میزان اثرگذاری بر فرایند شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج‌فارس را دارد؛ و از آن‌سو مؤلفه مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج‌فارس به‌عنوان یک عامل مؤثر در این فرایند از پایین‌ترین میزان اثرگذاری برخوردار است.

همان‌طور که نگاه کلی به جدول بالا نشان می‌دهد، عوامل شکل‌گیری و نیز موانع شکل‌گیری این ائتلاف به‌صورت کاملاً تفکیک شده در جدول ترتیب نیافتند؛ و بر همین اساس نمی‌توان به‌صورت قطعی و بر اساس این جدول قضاوت کلی و قاطعانه‌ای در مورد احتمال و یا عدم احتمال شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی انجام داد؛ شرایطی که ایجاب کرد برای به دست آوردن تصویر بهتر از کیفیت اثرگذاری هر مؤلفه و نقش آن‌ها در این فرایند به سراغ تکنیک تحلیل اثرات متقاطع رفته و از این روش کمی پژوهش نیز بهره ببریم. پیش از ورود به تکنیک تحلیل اثرات متقاطع لازم است اشاره شود که نمره‌ی میانگین کلی عوامل و موانع شکل‌گیری بر اساس جدول و پرسش‌نامه بالا به ترتیب ۳,۱۱ و ۲,۹۴ محاسبه شد که برتری نسبی را به‌احتمال شکل‌گیری ائتلاف می‌دهد. با این حال نظر به نزدیک بودن این دو عدد و ترتیب آشفته مؤلفه‌ها در رتبه‌بندی به‌دست‌آمده استفاده از تکنیک تحلیل اثرات متقاطع برای رسیدن به یک تصویر گویا اجتناب‌ناپذیر است. با تأکید بر این‌مهم‌که به دلیل ضرورت رعایت اختصار در ترسیم ماتریس، ۱۰ مؤلفه دارای امتیاز بیشتر در ماتریس مورد استفاده قرار گرفت.

توضیح این‌که جامعه‌ی آماری پانزده متخصصی که این ماتریس را پر کردند، داده‌هایی را به دست داد که پس از تحلیل با نرم‌افزار، مبنای تحلیل پژوهش حاضر قرار گرفت. متخصصانی که در تکمیل رابطه‌ی میان متغیرهای این پژوهش همکاری داشتند، همانند پرسش‌نامه طیف لیکرت شامل استادان رشته‌ی جغرافیایی

سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، خوارزمی، دانشگاه اصفهان و شهید بهشتی بودند. براساس پرسش‌نامه‌ای که مورد اشاره قرار گرفت و نیز نظر متخصصان نتایج زیر حاصل شد که مبنای ارزیابی قرار گرفت.

جدول ۳. اثرات متقاطع (میانگین نمرات کارشناسان)

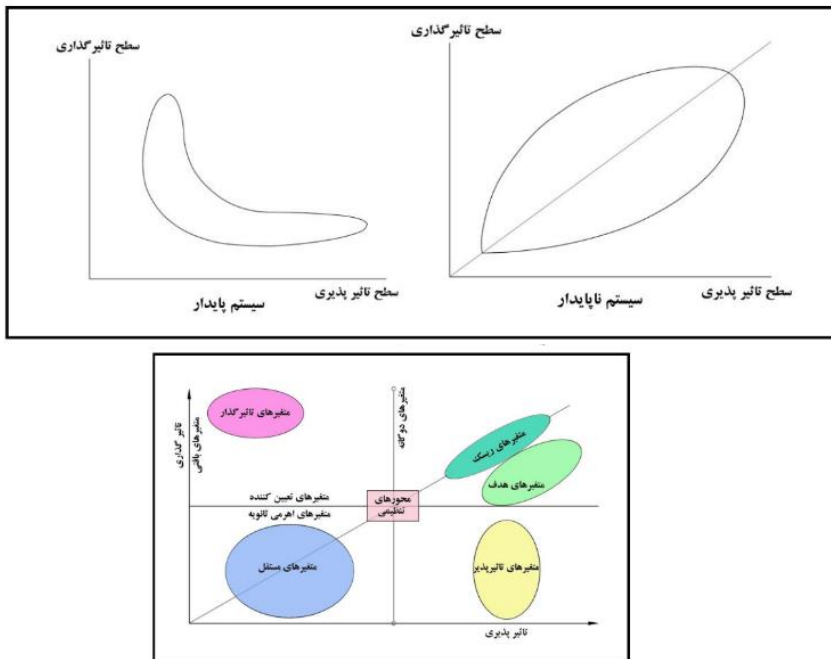
	1: قطر	2: مصر	3: تنش	4: وابستگی	5: تسلیحات	6: قدرت‌ها	7: برجام	8: عمان	9: رقبا	10: میانجی
1: قطر	0	3	3	2	2	3	2	3	3	3
2: مصر	3	0	3	3	3	2	3	3	1	1
3: تنش	3	2	0	3	3	2	2	1	1	3
4: وابستگی	1	0	3	0	1	2	0	0	1	2
5: تسلیحات	1	0	2	3	0	2	0	1	1	1
6: قدرت‌ها	3	3	3	3	3	0	3	3	2	0
7: برجام	0	1	2	1	2	2	0	0	1	1
8: عمان	3	3	3	3	3	1	0	0	3	3
9: رقبا	2	2	3	2	2	2	2	3	0	3
10: میانجی	3	2	2	2	2	2	3	3	3	0

جدول ۴. عوامل و موانع شکل‌گیری ائتلاف (استفاده‌شده در ماتریس)

نماد	عوامل و موانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی استفاده شده در ماتریس	
قطر	بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی	1
مصر	عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف	2
تنش	افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان	3
وابستگی	نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس	4
تسلیحات	افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران	5
قدرت‌ها	نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها	6
برجام	توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ موسوم به برجام	7
عمان	روابط حسنه ایران با عمان	8
رقبا	نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف	9
میانجی	میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان	10

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در نرم‌افزار میک‌مک ابتدا متغیرهای مهم شناسایی و در ماتریس گنجانده می‌شوند تا کارشناسان در مورد آن‌ها اظهارنظر کنند. این نرم‌افزار خروجی‌های گوناگونی دارد که به‌طورکلی به دو نوع تقسیم می‌شود. در خروجی نرم‌افزار اگر عوامل موجود حول محور قطر قرار بگیرند، این مسئله حکایت از ناپایداری سیستم و اگر به شکل I باشد گویای پایداری سیستم است. (بهشتی و زالی، ۲۰۱۱، ص. ۶۱) وضعیت قرارگیری عوامل در بخش‌های مختلف مختصات در محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیز امکان‌های گوناگونی برای تحلیل

صورت می‌دهد که در شکل پایین قابل مشاهده است. هم‌چنین تحلیل اثرات مستقیم در این تکنیک می‌تواند ویژگی‌های ذاتی هر یک از عوامل را در محیط شکل گرفته از هم‌هی عوامل تبیین کند و در نهایت به منظور تحلیل کلیدی‌ترین و اثرگذارترین عامل باید از مقایسه دو تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم بهره برد. (ملک‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۴۵)



شکل ۲. وضعیت قرارگیری عوامل توسعه در محور تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (محمدپور و دیگران، ۱۳۹۵،

ص. ۵)

نرم‌افزار میک‌مک دو نوع تحلیل و نمودار و گراف تحلیلی نشان می‌دهد؛ یکی اثرات مستقیم و دیگری اثرات غیرمستقیم. تحلیل اثرات مستقیم، نتیجه برهم‌کنش داده‌های ماتریس اولیه است که مورد تأکید این مقاله است و تحلیل اثرات غیرمستقیم، نتیجه محاسبه توان‌های بالاتر و تکرار ماتریس اولیه است، که در این پژوهش بر اساس پیشنهاد اولیه نرم‌افزار تکرار دو انتخاب شده است.

جدول ۵. تعداد تکرار محاسبه ماتریس اثرات متقاطع

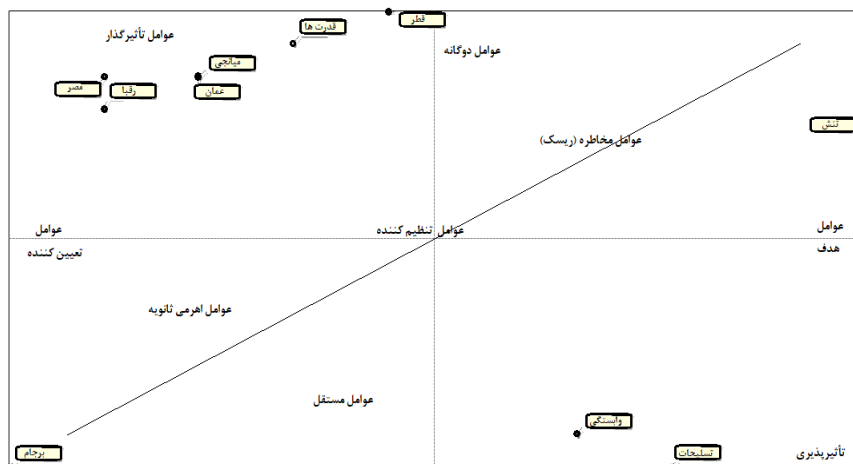
Iteration (تکرار)	Influence (تأثیر)	Dependence (وابستگی)
۱	۸۲٪	۸۷٪
۲	۹۶٪	۱۰۰٪

همان‌طور که اشاره شد، اثرات مستقیم در پژوهش حاضر مورد تأکید قرار دارد. بر همین اساس ویژگی‌های کلی اثرات مستقیم ماتریس تهیه شده برای ۱۰ مؤلفه منتخب که کارشناسان اقدام به پاسخ‌گویی در مورد آن کردند، به شرح زیر است.

جدول ۶. ویژگی‌های اثرات مستقیم (MDI)

شاخص	اندازه ماتریس	تعداد تکرار	بدون تأثیر (صفر)	تأثیر اندک (یک)	تأثیر میانه (دو)	تأثیر زیاد (سه)	میزان پرشدگی
مقدار	۱۰*۱۰	۲	۱۹	۱۶	۲۶	۳۹	۸۱٪

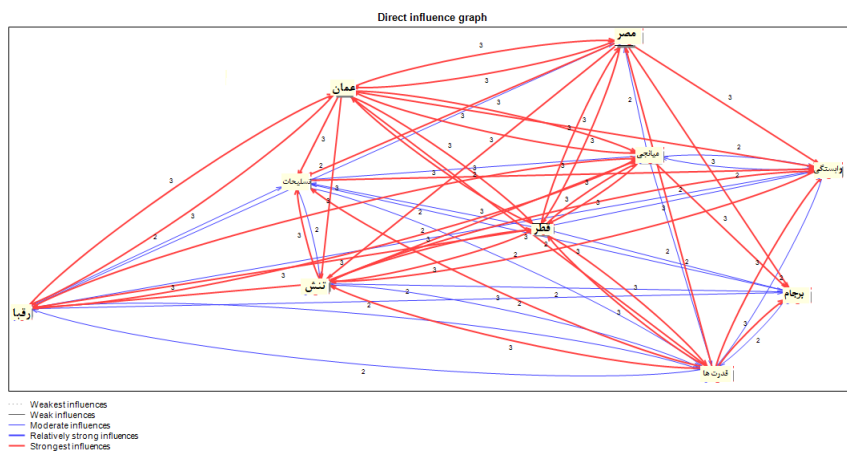
در ادامه ضمن اشاره به خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک به تحلیل موقعیت و وزن مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس پرداخته خواهد شد.



شکل ۳. جدول مختصات تکنیک تحلیل اثرات متقاطع

جدول ۷. عوامل اصلی مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی

عوامل تأثیرگذار	بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها، میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان، روابط حسنه ایران با عمان، نگرانی رقابتی اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف، عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف
عوامل تأثیرپذیر	افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران، نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس
عوامل مستقل	توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ موسوم به برجام
عوامل هدف	افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان



شکل ۴. نمودار تأثیرات مستقیم بین عوامل

تحلیل یافته‌ها

استفاده از پرسش‌نامه طیف لیکرت در مورد میزان اثرگذاری عوامل مؤثر و نیز مانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس، به دلیل آشفتگی و ترتیب نامنظم عوامل از این حیث که نظم مشخصی میان عوامل مؤثر و یا مانع شکل نگرفت، اجازه‌ی اظهارنظر قاطع در مورد وضعیت شکل‌گیری این ائتلاف را به نگارندگان نداد. بر اساس آنچه در جلد شماره ۲ آمد، دو مؤلفه‌ی مانع یعنی بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی و عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با این ائتلاف از نظر کارشناسان، بیشترین تأثیر را بر فرایند شکل‌گیری این ائتلاف داشت، اما از آن‌سو مؤلفه‌های افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان، نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، افزایش

توان و تسلیحات نظامی ایران، نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و برجام به‌عنوان عوامل مؤثر رتبه‌های ۳ تا ۷ را به خود اختصاص دادند.

پس‌ازاین مؤلفه‌های مؤثر نیز مؤلفه‌هایی چون روابط حسنه‌ی ایران با عمان، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف و میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان به‌عنوان عوامل مانع به ترتیب در رتبه‌های ۸ تا ۱۰ قرار گرفتند. هم‌چنین مؤلفه‌ی حجم نفت و گاز و انرژی در خلیج فارس و رقابت با ایران به‌عنوان مؤلفه مؤثر بر شکل‌گیری در رتبه‌ی ۱۱ قرار گرفت. مؤلفه‌های هزینه‌های سنگین ائتلاف و نگرانی از بروز جنگ تمام‌عیار و فشار افکار عمومی کشورهای عربی به‌عنوان عوامل مانع به ترتیب در رتبه‌ی ۱۲ و ۱۳ و مؤلفه مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس نیز در رتبه‌ی ۱۴ قرار گرفتند.

آشفته‌گی در نتایج حاصل از پرسش‌نامه طیف لیکرت، نگارندگان پژوهش را بر آن داشت تا با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل اثرات مستقیم جایگاه، وزن و نوع اثرگذاری هر مؤلفه را بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار این تکنیک یعنی نرم‌افزار میک‌مک بسنجند. بر اساس آنچه در اشکال مرتبط با خروجی نرم‌افزار و در شکل‌های ۴ و ۵ دیده می‌شود، میزان اثرگذاری هر مؤلفه منتخب بر روی مؤلفه‌ی دیگر و نیز نوع اثرگذاری هرکدام متفاوت و به‌روشنی قابل ارزیابی است. مطابق با شکل شماره‌ی ۴ مؤلفه‌ها نه در محور قطر‌ها پراکنده شدند که ناظر بر ناپایداری سیستم باشد و نه به شکل I جایابی شدند که گویای پایداری سیستم باشد. لذا به استناد این مهم می‌توان آشفته‌گی سیستم و ناپایداری آن را که ناظر بر به‌هم‌ریختگی تحولات کنونی و آینده منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس است، برداشت کرد.

جدا از موضوع مورد‌اشاره و براساس جایابی صورت گرفته در جدول مختصات، مشاهده شد که از میان ۱۰ مؤلفه عامل و مانع اثرگذار بر شکل‌گیری ائتلاف که در این پژوهش به صورت پیش‌فرض و براساس مطالعات انتخاب شده بودند، ۵ مؤلفه‌ی مانع شکل‌گیری ائتلاف، یعنی عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از

شکل‌گیری ائتلاف، روابط حسنه‌ی ایران با عمان، بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی و میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان به‌عنوان عامل تأثیرگذار مهم و اصلی انتخاب شدند؛ و از میان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تنها مؤلفه نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها به‌عنوان عامل اثرگذار اصلی انتخاب شد. رویه‌ای که اثبات می‌کند در شرایط کنونی و بر اساس خروجی تکنیک تحلیل اثرات متقاطع، این مؤلفه‌های مانع شکل‌گیری هستند که از اثرگذاری قوی‌تری برخوردارند؛ و با وجود چنین مؤلفه‌هایی احتمال شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس چندان بالا نخواهد بود.

بر اساس خروجی این تکنیک، مؤلفه‌ی توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ موسوم به برجام به‌عنوان یک عامل مستقل تعیین شد و این جایابی را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که این مؤلفه در جریان شکل‌گیری ائتلاف نظامی از قدرت و وزن چندانی برای تأثیرگذاری مستقیم بر شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری ائتلاف برخوردار نیست. هم‌چنین دو مؤلفه‌ی افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران و نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس که بر اساس مطالعات انجام شده و نیز پیش‌فرض پژوهش تصور می‌شود، به‌عنوان عوامل جدی شکل‌گیری ائتلاف با شند، بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار مورد اشاره در جایگاه عوامل تأثیرپذیر جایابی شدند. وضعیتی که نشان می‌دهد این دو مؤلفه نه علت چنین شرایط و تحولاتی بلکه معلول شرایط کنونی منطقه هستند. به این معنا که کشورهای حاضر در منطقه‌ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس به‌ویژه ایران متأثر از آشفتگی کنونی و نگرانی‌های امنیتی در پی تقویت زیرساخت‌ها و توان نظامی خود هستند و از سویی نیز این آشفتگی حاکم است که وابستگی‌های اقتصادی و همکاری‌های تجاری کشورهای عربی منطقه را با ایران به شدت کاهش داده است. شرایطی که اگر تغییر یابد و سیستم به سمت پایداری حرکت کند، احتمال تغییر روابط میان ایران و کشورهای عربی و ایجاد پیوندهای اقتصادی و تجاری میان شمال و جنوب خلیج فارس ایجاد خواهد شد.

در میان مؤلفه‌های منتخب، مؤلفه‌ی افزایش ناامنی و تنش میان ایران و

عربستان نیز که تصور می‌شد عامل مؤثر بر شکل‌گیری باشد؛ بر اساس خروجی نرم‌افزار عامل هدف تعیین شد و معنای این جایابی آن است که یا از سوی هدف نهایی کنش‌های کنونی بازیگران افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان است و یا از سوی خروجی این تحولات و آشفتگی سیستم به تشدید تنش‌ها میان ایران و عربستان منجر خواهد شد. مستند بر خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که موانع شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس از قدرت اثرگذاری بیشتری بر فرایند شکل‌گیری این ائتلاف نسبت به عوامل مؤثر برخوردار هستند. با تأکید بر این مهم که، در حال حاضر با آشفتگی که بر منطقه‌ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس حاکم است، می‌توان با اطمینان بالایی این‌گونه نتیجه گرفت که احتمال شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج فارس در شرایط کنونی پایین است. یافته‌های پژوهش را می‌توان با انطباق دلایل ژئوپلیتیکی عوامل شکست شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای با شرایط ژئوپلیتیکی حاکم بر ائتلاف نظامی عربی نیز برداشت کرد؛ ائتلاف سامانه نیافته‌ای که با مبهم بودن الگوی شکل‌گیری، تأثیرپذیری شدید از قدرت‌های فرامنطقه‌ای، عدم اجماع نظر، موازی بودن با سایر ائتلاف‌های مطرح و یا فعال، دشواری در تأمین بی‌طرفی، مداخله در امور داخلی سایر کشورها و... روبه‌رو است. این ائتلاف که هنوز شکل نگرفته و کشورهایی مثل عربستان سعودی در پی شکل‌دهی به آن هستند، جدا از دارا بودن ویژگی‌های ژئوپلیتیکی که به‌عنوان عامل شکست شکل‌گیری ائتلاف مطرح هستند، هم‌چنین از بسیاری ویژگی‌های ژئوپلیتیکی که به‌عنوان عامل موفقیت یک ائتلاف معرفی شده است، نیز بی‌بهره است. به‌طور مثال کشورهای درگیر با ائتلاف با یکدیگر چندان هم‌گون نیستند و نیز بسیاری از آن‌ها فاقد مشروعیت عمومی هستند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا با بهره‌گیری از دانش ژئوپلیتیک و نیز رویکرد نواقع‌گرایی و نظریه‌های زیرمجموعه آن که به موضوع شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه پرداخته‌اند، امکان‌پذیری و یا عدم امکان‌پذیری شکل‌گیری ائتلاف نظامی

عربی در منطقه‌ی خلیج‌فارس با تأکید بر زمینه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر، مورد ارزیابی قرار بگیرد. انجام پژوهش در این زمینه از آن جهت مهم است که، دانسته شود هم‌زمان با افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در منطقه‌ی جنوب غرب آسیا به‌ویژه سواحل شرقی دریای مدیترانه، تعداد زیادی از کشورهای عربی منطقه به رهبری عربستان سعودی و با دریافت اطمینان‌های لازم از سوی قدرت‌های جهانی نظیر آمریکا در پی شکل‌دهی به یک ائتلاف نظامی عربی برآمدند، تا ضمن تقویت موقعیت خود در جنوب غرب آسیا مانند زمینه‌های تضعیف قدرت ژئوپلیتیکی ایران را در منطقه فراهم کنند.

هم در دانش ژئوپلیتیک و هم در دانش روابط بین‌الملل هر کدام به‌نوعی به دلایل و زمینه‌های مؤثر بر شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه و به‌ویژه ائتلاف‌های نظامی پرداخته شده است. جدا از دانش ژئوپلیتیک و مبحث الگوهای ژئوپلیتیکی این دانش که به واسطه‌ی چهار رابطه‌ی رقابتی، سلطه، نفوذ و تعامل امکان تحلیل و ارزیابی یک ائتلاف نظامی فراهم می‌شود، در دانش روابط بین‌الملل نیز نواقح گریزناکه در رابطه با چرایی علاقه‌ی کشورها به شکل‌دهی به ائتلاف نظامی ترس از یک یا چند کشور رقیب و مسائلی مانند تلاش برای موازنه‌ی قوا، موازنه‌ی تهدید و موازنه‌ی منافع را مورد اشاره قرار می‌دهند و در این میان، نظریه‌ی هژمونی را که به معنای اثرگذاری قدرت برتر ساخت‌های بین‌المللی متحد و همگراست مطرح می‌کنند؛ نظریه‌هایی که می‌توان برای تفسیر و تحلیل هرگونه تمایل به شکل‌دهی ائتلاف در مناطق مختلف ژئوپلیتیکی از آن‌ها استفاده کرد. از آنجایی که در این پژوهش تصور این بود که کشورهای عربی علاقه‌مند به شکل‌دهی ائتلاف نظامی علیه ایران، بانگیزه کاهش قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی ایران در منطقه و متأثر از فشارهای آمریکا در پی چنین اقدامی برآمده‌اند؛ ۱۴ مؤلفه‌ی مؤثر که انطباق مطالعات کتابخانه‌ای با واقعیت نشان می‌داد در این فرایند مؤثر هستند، استخراج شد و با کمک روش پژوهش تحلیلی-ترکیبی مورد ارزیابی قرار گرفت.

در این پژوهش شناسایی وزن و جایگاه هر مؤلفه‌ی مؤثر بر شکل‌گیری و یا عدم شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی خلیج‌فارس با کمک روش‌های پرسش‌نامه‌ای

مثل دلفی و نیز تکنیک تحلیل اثرات متقاطع بررسی شد. براساس نتایج اولیه که پس از انجام پرسش‌نامه طیف لیکرت و وزن دهی به عوامل مؤثر و مانع در فرایند شکل‌گیری ائتلاف به دست آمد، به ترتیب مؤلفه‌های بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف، افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان، نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران، نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها، توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ موسوم به برجام، روابط حسنه‌ی ایران با عمان، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف، میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان، حجم بالای نفت و گاز و انرژی در خلیج فارس و رقابت با ایران، هزینه‌های سنگین ائتلاف و نگرانی از بروز جنگ تمام‌عیار، فشار افکار عمومی داخلی کشورهای عربی و مذهب، زبان و قومیت متفاوت کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس بر این فرایند به صورت مثبت و منفی اثرگذار شناسایی شدند. با این توضیح که برخی مؤلفه‌ها دارای اثر مثبت و برخی دیگر دارای اثر منفی بودند.

پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها از طریق پرسش‌نامه طیف لیکرت و کمی‌سازی صورت گرفته، مشاهده شد که جدول استخراج شده فاقد نظم و ترتیب مشخص است. به این معناکه برخی مؤلفه‌های مؤثر بر فرایند شکل‌گیری و برخی مؤلفه‌های مانع دارای وزن نزدیک به هم و یا ترتیب آشفته بودند که اجازه‌ی جمع‌بندی با قطعیت بالا را مبنی بر بالا بودن احتمال شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری کاهش داد. هرچند ترتیب آشفته قرارگیری مؤلفه‌های مؤثر و غیر مؤثر که از خروجی پرسش‌نامه نخست حاصل شد، اجازه جمع‌بندی با درصد بالا را فراهم نکرد، اما به کمک همین جدول و از میان ۱۴ مؤلفه انتخابی ۱۰ مؤلفه دارای وزن قوی‌تر فارغ از مؤثر بر شکل‌گیری یا مانع بودن، انتخاب شد؛ تا نگارندگان پژوهش برای دستیابی به نتایج بهتر ۱۰ مؤلفه با وزن بیشتر یعنی بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف،

افزایش ناامنی و تنش میان ایران و عربستان، نبود وابستگی اقتصادی میان ایران با کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، افزایش توان و تسلیحات نظامی ایران، نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تأثیرگذاری آن‌ها، توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ موسوم به برجام، روابط حسنه‌ی ایران با عمان، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف و میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان را انتخاب و با کمک تکنیک تحلیل اثرات متقاطع مورد ارزیابی قرار دهند، تا از این طریق وزن و جایگاه هر مؤلفه در این فرایند مشخص شود.

براساس خروجی تکنیک تحلیل اثرات متقاطع، ۵ مؤلفه بروز و تشدید تنش میان قطر با دیگر کشورهای عربی، عدم همراهی کامل رهبران سیاسی مصر با ائتلاف، روابط حسنه‌ی ایران با عمان، نگرانی رقبای اقتصادی منطقه مثل هند، ترکیه و روسیه از شکل‌گیری ائتلاف و میانجی‌گری پاکستان و عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان که مطابق مطالعات پیشین عوامل مانع شکل‌گیری ائتلاف انتخاب شده بودند، به‌عنوان عوامل تأثیرگذار ارزیابی شدند. از سویی نیز از میان مؤلفه‌هایی که به‌عنوان عامل مؤثر بر فرایند شکل‌گیری انتخاب شده بودند، تنها مؤلفه‌ی نقش‌آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا براساس این تکنیک به‌عنوان عامل تأثیرگذار انتخاب شد؛ واقعیتی که مطابق آن می‌توان با درصد احتمال بسیار بالاتری عدم شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی مورد اشاره را در حال حاضر و نیز آینده نزدیک نتیجه‌گیری کرد. خروجی تکنیک تحلیل اثرات متقاطع هم‌چنین نشان داد که یکی از اهداف و نتایج قطعی شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی یا همان ناتوی عربی، تشدید تنش‌ها میان ایران و عربستان خواهد بود؛ موضوعی که قدرت‌های فرامنطقه‌ای و به‌ویژه آمریکایی‌ها در پی آن هستند و با تحقق کامل آن منافع قابل توجهی را به دست خواهند آورد.

از سویی نیز افزایش توان تسلیحات نظامی ایران و نیز نبود وابستگی اقتصادی قابل توجه میان ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که تصور می‌شد، نقش مؤثری بر شکل‌گیری ائتلاف داشته باشد، براساس تکنیک مورد استفاده در

این پژوهش مؤلفه‌های تأثیرپذیر ارزیابی شدند. به این معنا در پی تشدید تلاش‌ها برای شکل‌دهی به کی‌ائتلاف ضد ایرانی در خلیج فارس که حاصل آن بروز و تشدید تنش میان ایران و این کشورهاست، ایران در پی تقویت توان نظامی خود است و همین رویه باعث کاهش وابستگی اقتصادی کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس با ایران شده است. جمع‌بندی نهایی این‌که براساس پژوهش حاضر، تلاش سال‌های اخیر عربستان سعودی که در سایه‌ی کمک‌های مالی و معنوی آمریکا آغاز شد و در ادامه با گردهمایی تعداد قابل‌توجهی از کشورهای عربی خلیج فارس و شمال آفریقا احتمال شکل‌گیری یک ائتلاف نظامی عربی ضد ایرانی موسوم به ناتوی عربی را مطرح کرد، حداقل در حال حاضر و نیز در آینده نزدیک به صورت تمام و کمال محقق نخواهد شد این ائتلاف شکل نخواهد گرفت.

چرایی این مسئله را نیز می‌توان در موارد مهمی که به‌طور پیش‌فرض زمینه‌ساز شکل‌گیری همگرایی هستند، جست‌وجو کرد. به‌طور مثال همگونی بیشتر کشورها منطقه، مشروعیت عمومی، حل و فصل مؤثر منازعات، محدود بودن طرف‌های سوم از جمله دلایل موفقیت همگرایی است و از آن‌سو مواردی نظیر تنوع سازمان‌های منطقه‌ای، کمتر بودن ضمانت‌های اجرایی، ناتوانی در اثرگذاری فرمانطقه‌ای و فراگیر نبودن از جمله دلایل عدم موفقیت همگرایی‌هاست؛ مسائلی مهمی که بر اساس پژوهش اثرگذاری موانع قوی‌تر است. هم‌چنان‌که پیش‌تر و در بخش تجزیه و تحلیل اشاره شد، این ائتلاف نظامی از بس‌یاری ویژگی‌های ژئوپلیتیکی که عامل موفقیت ائتلاف‌ها هستند، بی‌بهره است و از آن‌سو بسیاری از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر ناکامی ائتلاف بر آن اثرگذار است. با این همه شرایط موجود به استمرار ناامنی در خلیج فارس کمک خواهد کرد و تنش‌های میان ایران و عربستان نه تنها روابط این دو قدرت منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا را بیش‌ازپیش سرد خواهد کرد، بلکه زمینه‌ی افزایش ناامنی را در این منطقه فراهم خواهد کرد.

در چنین شرایطی بهتر است، جمهوری اسلامی ایران ضمن آگاهی نسبت به عدم تحقق ناتوی عربی حداقل در آینده نزدیک، با اطلاع و آگاهی از خسارت‌های

تلاش‌هایی که در این مسیر صورت می‌گیرد، به دنبال کاهش تنش‌ها با کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس به‌صورت جداگانه برآید و ضمن کاهش انگیزه کشورهای نظیر قطر و امارات برای پیوستن به این ائتلاف، مسیر و اهداف تلاش‌های ضد ایرانی را به سود خود تغییر دهد. تلاش برای افزایش مناسبات با قدرت‌های میانی مؤثر بر این فرایند نظیر هند، ترکیه و روسیه از دیگر نکات مهمی است که برای پیشگیری شکل‌گیری ائتلاف لازم است در دستور کار مقامات سیاسی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد. علاوه‌براین مسائل مسئولان سیاسی و اجرایی ایرانی نباید از آسیب و خسارت‌های قطعی تلاش‌های آغاز شده برای شکل‌گیری ائتلاف نظامی عربی غافل باشند و در همین راستا لازم است تقویت توان نظامی و امنیتی و نیز رصد مداوم تحولات منطقه‌ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس در دستور کار قرار بگیرد.

منابع

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳). نقش سازمان‌های منطقه‌ای در پایداری امنیت کشورهای عضو. *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال نوزدهم، شماره‌ی پنجم و ششم. بهستی، محمدباقر، و زالی، نادر (۱۳۹۰). شناسایی عوامل کلیدی توسعه‌ی منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو: مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی.

مجله‌ی برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۳۹۰ شماره ۱، پیاپی ۷۱
پورمحمدی، محمدرضا، و زالی، نادر (۱۳۸۹). تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای و آینده‌نگاری توسعه، (نمونه موردی: آذربایجان شرقی). *مجله‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، دانشگاه تبریز

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). تعریفی نو از ژئوپلیتیک. *فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی*، پاییز و زمستان، دوره‌ی ۱۵، شماره‌ی ۳-۴
حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. تهران: انتشارات سمت.
مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: انتشارات سمت

ملک‌زاده، ندا، و دیگران (۱۳۹۵). شناسایی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه‌ی شهری با رویکرد آینده‌نگاری، (مطالعه موردی: کلان شهر کرج). *مجله‌ی جغرافیا و توسعه‌ی فضای شهری*، سال سوم، شماره‌ی ۲ پاییز و زمستان، ۵۹۳۱ شماره پیاپی ۱

مذصوری مقدم، محمد (۱۳۹۱). *سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران*. {رساله‌ی دکتری دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران}

- Brilmayer, L (1994). *American Hegemony*. New Haven: Yale University Press.
Dixon, T et al (2014). *Urban Retrofitting: Identifying Disruptive and Sustaining Technologies Using Performative and Foresight Techniques*. Technological Forecasting and Social Change.
Ekovich, S (2003). *Iran and New Threats in the Persian Gulf and Middle East*, Chapter in Hall Gardner, Ed., *NATO and the European Union*: New

- World, New Europe, New Threats.
- Garfinkle, A (2015). *The Geopolitical Frame in the Contemporary Middle East*.
Published for the Foreign Policy Research Institute by Elsevier Ltd, July
14
- Gelpi, Ch (1999). Alliance as Instruments of Intra Allied Control, in Haftendorn.
Keohane and Wallander, Op.Cit
- George, J (1993). Of Incarceration and Closure: Neo-Realism and New/ Old
World, Millennium. *Journal of International Studies*, Vol. 6, No. 12
- Hunter, S (1984). *Arab, Iranian Relations and Stability in Persian Gulf*.
Washington Quarterly, Vol. 7, No. 3
- Kameoka, A et al (2004). A Challenge of Integrating Technology Foresight and
Assessment in Industrial Strategy Development and Policymaking,
Echnological Forecasting and Social Change
- Michael, Adler., & Erio, Ziglio (1996). *Gazing Into the Oracle: the Delphi
Method and its Application to Social Policy and Public Health*, Jessica
Kingsley Publishers
- Myer, D., & Kitsuse, A (2000). Constructing the Future in Planning: A Survey
of Theories and Tool, *Journal of Planning Education and Research*, Vol.
19, No. 3
- Ray, J (1998). *Global Politics*. NewYork Vanderbilt University
- The Hill Website (2017). An 'Arab NATO' Including Israel Can Exist if it Stays
Quiet, 24 May
- Waltz, K (1979). *Theory of International Politics*.